

AET1
Asian and Middle Eastern Studies Tripos, Part IB

Monday 5 June 2017 9 to 12:00 pm

Paper MES15

Intermediate Literary Persian

Answer *two* questions from **Section A** and *two* questions from **Section B**.
All questions carry *equal* marks.

Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** answer booklet.

STATIONERY REQUIREMENTS

20 page answer booklet
Rough Work Pad

SPECIAL REQUIREMENTS TO BE SUPPLIED FOR THIS EXAMINATION

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed to do so.

SECTION A

Choose **two** passages for translation and analysis. Each translation will carry 10 marks and each commentary 15 marks.

1 Translate the following passage and discuss the prosimetric form of the *Golestan* text and its effects.

بعد از تامل این معنی مصلحت چنان دیدم که در نشیمن عزلت نشیمن و دامن از صحبت فراهم
چینم و دفتر از گفته های پریشان بشویم و من بعد پریشان نگویم

بیت

زبان بریده بکنجی نشسته صم بکم به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم

تا یکی از دوستان که در کجاوه غم انیس من بودی و در حجره هم جلیس برسم قدیم از در در آمد
چنانکه نشاط مرا غبت کرد و بساط ملاعبت گسترده جوابش نگفتم و سر از زانوی تعبد بر نگرفتم
رنجیده بمن نگه کرد و گفت

قطعه

کنونت که امکان گفتار هست بگو ایبرادر بلطف و خوشی
که فردا چو پیک اجل در رسد بحکم ضرورت زبان در کشی

یکی از متعلقان منش بر حسب این واقعه مطلع گردانید که فلان عظم کرده است و نیت جزم
آورده که بقیت عمر در دنیا معتکف نشیند و خاموشی گزیند تو نیز اگر توانی سر خویش گیر و
راه مجانبت در پیش آر گفتا بعزت عظیم و صحبت قدیم که دم بر نیارم و قدم بر ندارم مگر آنکه
که سخن گفته شود بر عادت مالوف و طریق معروف که آزدن دل دوستان جهلست و کفارت
یمین سهل و خلاف رای صوابست و نقض عهد اول الایاب که ذو الفقار علی در نیام و زبان
سعدی در کام

قطعه

زبان در دهان خردمند چیست؟ کلید در گنج صاحب هنر
چو در بسته باشد چه داند کسی که جوهر فروشست یا شیشه گر

Sa'di, *Golestan*, On the reasons for writing the Book, ed. Nur Allah, pp. 6-7, Tehran, 1977.

2 Translate this passage and comment on the philosophical theory the story illustrates.

بر این گوشه رومی کند دستکار	بر آن گوشه چینی نگارد نگار
نبینند پیرایش یکدیگر	مگر مدت دعوی آید به سر
چو زانکار گردند پرداخته	حجاب از میان گردد انداخته
ببینند کز هر دو پیکر کدام	نو آیین تر آید چو گردد تمام
نشستند صورتگران در نهفت	در آن جفته طاق چون طاق جفت
به کم مدت از کار پرداختند	میانبر ز پیکر بر انداختند
یکی بود پیکر دو ارژنگ را	تفاوت نه هم نقش و هم رنگ را
عجب ماند از آن کار نظارگی	به عبرت فرو ماند یکبارگی
که چون کرده اند این دو صورت نگار	دو ارتنگ را بر یکی سان گزار
میان دو پرگار بنشست شاه	درین و در آن کرد نیکو نگاه
نه بشناخت از یکدیگر بازشان	نه پی برد بر پرده رازشان
بسی راز از آن در نظر باز جست	نشد صورت حال بر وی درست
بلی در میانه یکی فرق بود	که این می پذیرفت و آن مینمود
چو فرزانه دید آن دو بتخانه را	بدیع آمد آن نقش فرزانه را
درستی طلب کرد و چندان شتافت	کزان نقش سر رشته ای باز یافت
بفرمود تا در میان تاختند	حجابی دگر در میان ساختند
چو آمد حجابی میان دو کاخ	یکی تنگدل شد یکی رو فراخ
رقمهای رومی نشد زاب و رنگ	بر آیینه چینی افتاد زنگ
چو شد صفت چینیان بی نگار	شگفتی فرو ماند از آن شهریار
دگر ره حجاب از میان برکشید	همان پیکر اول آمد پدید
بدانست کان طاق افروخته	به صیقل رقم دارد اندوخته

Nezami, *SharafNameh*, VahidDatgerdi (ed.), Tehran, 1372, p. 1106.

(TURN OVER)

3 Translate this passage and comment on Rumi's use of this well-known episode in the context of his Masnavi.

آمدن خرگوش نزد شیر و خشم شیر بر وی

دید کان خرگوش می آید ز دور خشمگین و تند و تیز و ترش رو وز دلیری دفع هر ریبت بود بانگ بر زد شیر های ای ناخلف من که گوش پیل نر مالیده ام امر مارا افکند اندر زمین غره این شیر ای خرگوش کن گر دهد عفو خداوندیت دست این زمان آیند در پیش شهان عذر احمق را نمی شاید شنید عذر نادان زهر دانش کش بود من چه خرگوش که در گفتم نهی عذر استم دیدهر را گوش دار گمرهی را تو مران از راه خود هر خسی را بر سر و رو می نهد از کرم دریا نگردد بیش و کم جامه هر کس برم بالای او سر نهادم پیش از درهای عنف با رفیق خود سوی شاه آمدم جفت و همره کرده بودند آن نفر	شیر اندر آتش و در خشم و شور میدود بی دهشت و گستاخ او کز شکسته آمدن تهمت بود چون رسید او پیشتر نزدیک صف من که گاوانرا زهم بدریده ام نیم خرگوش باشد کو چنین ترک خواب و غفلت خرگوش کن گفت خرگوش الامان عذریم هست گفت چه عذر ای قصور ابلهان مرغ بی رقتی سرت باید برید عذر احمق بتر از جرمش بود عذرت ای خرگوش از دانش بهی گفت ای شه ناکسی را کس شمار خاصه از بهر زکوت جاه خود بحر کو آبی بهر جو دهد کم نخواهد گشت دریا زین کرم گفت دارم من کرم بر جای او گفت بشنو گر نباشم جای لطف من بوقت چاشت در راه آمدم با من از بهر تو خرگوش دگر
--	---

Rumi, *Masnavi-e Ma'navi*, ed. R. Nicholson, Book 1, ll. 1150-1169, pp. 71-72, London 1925.

4 Translate the following passage and comment on its metre, form, style and metaphors.

وز کمال عشق نه نیست و نه هست	بلبل شیدا در آمد مست مست
زیر هر معنی جهانی راز داشت	معنی در هر هزار آواز داشت
کرد مرغانرا زفان بند از سخن	شد در اسرار معانی نعره زن
جمله شب می کنم تکرار عشق	گفت بر من ختم شد اسرار عشق
تا زبور عشق خوانم زارزار	نیست چون داودیک افتاده کار
زیر چنگ از ناله زار من است	زاری اندر نی ز گفتار منست
در دل عشاق جوش از من بود	گلستانها پر خروش از من بود
در دهم هر ساعت آوازی دگر	باز گویم هر زمان رازی دگر
همچو دریا جان من شور آورد	عشق چون بر جان من زور آورد
گرچه بس هشیار آمد مست شد	هرک شور من بدید از دست شد
تن زخم بی کس نگویم هیچ راز	چون نبینم محرمی سالی دراز
مشک بوی خویش بر گیتی نثار	چون کند معشوق من در نوبهار
حل کنم بر طلعت او مشکلم	من بپردازم خوشی با او دلم
بلبل شوریده کم گویا شود	باز معشوقم چو ناپیدا شود
راز بلبل گل بداند بی شکی	زانک رازم در نیابد هر یکی

'Attar, *Mantiq al-Tayr*, ed. S. Gowharin, Hekayat-e Bolbol, II 749-764, p, 42, Tehran, 1992.

(TURN OVER)

SECTION B

Choose **two** of the following essays (25 marks each)

- 5 Discuss the significance of the reed metaphor within Rumi's *Masnavi-ye Ma'navi*.
- 6 Discuss and contrast the narrators' introductory musings to the Rostam and Sohrab *Shahnama* episode and to the arrival of Zar in *Vis o Ramin*.
- 7 Why is 'Attar's choice of birds as characters in his *Mantiq al-Tayr* particularly well-chosen?
- 8 Contrast the didactic aim of Ferdowsi's *Shahnama* and Rumi's *Masnavi*.

END OF PAPER